

# انسان موجودی یکروزه

و قصه‌های دیگری از روان‌درمانی



اروین یالوم

ترجمه نازی اکبری



## فهرست

- یادداشت مترجم ..... ۱۱
۱. درمان معیوب ..... ۱۵
۲. خلوص ..... ۳۱
۳. آرایسک ..... ۴۹
۴. مولی، متشکرم ..... ۷۳
۵. مرا اسیر مکن ..... ۱۱۱
۶. ملاحظه بچه‌ها تو بکن ..... ۱۳۵
۷. افسوس گذشته‌ها را باید رها کرد ..... ۱۶۷
۸. بروگم شو دنبال مرض کشنده خودت باش: تجلیل از الی ..... ۱۸۵
۹. سه بار گریستن ..... ۲۱۳
۱۰. انسان موجودی یکروزه ..... ۲۲۵
- پسگفتار ..... ۲۵۳
- کلامی با خوانندگان ..... ۲۵۷
- گفتگو با اروین یالوم خطاب به مخاطبینش در ایران ..... ۲۵۹

## درمان معیوب

جناب دکتر یالوم، من به مشاوره نیازمندم. من رمان وقتی نیچه گریست  
شما را خوانده‌ام و می‌خواهم بدانم آیا شما حاضرید به همکار نویسنده  
خود که دچار انسداد نوشتاری شده است کمک کنید؟

— پل آندروز<sup>۱</sup>

شکی نیست که پل آندروز سعی کرده بود با این ایمیل علاقه و توجه مرا به  
خود جلب کند و موفق هم شده بود. من هیچ‌گاه دست رد به سینه همکار  
نویسنده‌ام نخواهم زد. وقتی به انسداد نوشتاری فکر کردم، حس کردم  
چه خوش اقبال بوده‌ام، چرا که این هیولا هیچ‌گاه دست به گریبانم نینداخته  
است. با این اوصاف مشتاق بودم برای غلبه بر این مشکل به وی کمک  
کنم. ده روز بعد پل سر قرارمان حاضر شد. از مشاهده ظاهرش مبهوت  
شدم. بدون هیچ دلیلی توقع داشتم با نویسنده‌ای میانسال و سرحال و  
شاید کمی گرفته روبه‌رو شوم، در حالی که کسی که وارد اتاق من شد  
پیرمردی چروکیده بود. شدت خمیدگی پشتش در حدی بود که به نظر

1. Paul Andrews